



# تبارشناسی و راهبردهای گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی

حسین جلالی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: 1400/05/21 تاریخ پذیرش نهایی: 1400/09/04

## چکیده

آثار تغییرات گسترده اجتماعی در زندگی فردی و اجتماعی بشر، اصلاح حقوق را در تناسب این تغییرات دو چندان کرده است. این تناسب سازی در قالب گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی مطرح می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر، به منظور تبارشناسی و آرایه راهبردهای گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی به روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه انجام یافته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی با طرد برخی دال‌های دو گفتمان الهیاتی-فلسفی و حقوق مدرنیته و با درهم شکستن ساختار گفتمانی آن‌ها، برخی دال‌های آن‌ها را در ساختاری نو به کار می‌گیرد. دال‌های این گفتمان، توجه همزمان به بخش‌های ثابت و متغیر حقوق، تقویت جذابیت و کارایی حقوق، توجه به مقتضیات جامعه ملی و بین‌المللی، تقدم موضوع شناسی بر حکم شناسی، نوآوری با حفظ شالوده حقوق اسلامی، توجه به منابع عقلی، اجتماعی و عرفی در کنار متن محوری هستند. جستاری در تبارشناسی علوم مختلف اسلامی از جمله کلام، اصول، و فلسفه فقه نشان دهنده سرمایه‌ای غنی در جهت ضرورت توجه به شرایط زمانی و مکانی و ضرورت نوآوری‌های حقوقی است. در طراحی الگوی راهبردی نوآوری در حقوق اسلامی مراحل تبارشناسی، شناخت محیط با توجه به اقتصاد قدرت، عبور از موانع و چالش‌ها، توجه به منابع نوآوری، تمهید مقدمات، تلفیق منابع و تدوین حقوق کارآمد، اجرا، بازخورد نتایج و اصلاح راهبردها در نظر گرفته می‌شود. الگوی راهبردی آرایه شده غیر خطی و در چرخه‌ای مداوم مورد بازبینی قرار می‌گیرد.

## کلید واژه‌ها

حقوق اسلامی، نوآوری، حقوق مدرنیته، تبارشناسی، گفتمان، راهبرد.

## 1. بیان مساله

دانش حقوق، دانش تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن‌ها یا به عبارت دیگر مطالعه قواعد حاکم بر روابط میان اشخاص (حقیقی و حقوقی) در عرصه جامعه است. تحقق "نظم عادلانه" یا "عدالت نظم آفرین" نقطه اشتراک همه مکاتب حقوقی قلمداد شده است. بررسی تاریخی حقوق، نشان می‌دهد که برای دست یافتن به این هدف، تاکنون دو رویکرد اتخاذ شده است:

رویکرد الهیاتی و فلسفی: بر اساس این رویکرد، چیستی حقوق، تکالیف آدمیان، تنظیم روابط، اثبات حقوق و اجرای ضمانت اجرا با اسناد و مدارک دینی توجیه می‌شود. این رویکرد قرن‌ها تنها رویکرد غالب در شناخت و اجرای حقوق بوده است.

رویکرد جامعه شناختی: این رویکرد از اواخر قرن نوزدهم میلادی و در پی انقلاب‌های صنعتی و علمی در اروپا، شکل گرفته است. بر اساس این رویکرد چون نظام‌های اجتماعی نشأت یافته از زندگی اجتماعی است، نظام حقوقی نیز در متن و بستر این زندگی اجتماعی جستجو و تدوین می‌شود (علیزاده، 1384: 116).

اما رویکرد سومی نیز قابلیت طرح شدن دارد و آن رویکرد ترکیبی (الهیاتی- جامعه شناختی) است. این رویکرد بر این مبنا است که رویکرد جامعه شناختی لزوماً در تضاد با رویکرد الهیاتی و فلسفی نیست. بر این اساس، هرچند شالوده اصلی حقوق، اسناد و مدارک دینی است، اما در بارور سازی، توسعه و نوسازی آن از رویکرد جامعه شناختی نیز بهره گرفته می‌شود. بر ساخت‌های حقوقی در این رویکرد، به شرطی پذیرفته و اجرایی می‌شوند که با اصول و شالوده حقوق دینی در تضاد قرار نگرفته باشند.

تبارشناسی تاریخ حقوقی ایران نشان می‌دهد که گفتمان غالب در این عرصه، "گفتمان حقوق فلسفی و الهیاتی" بوده است. بر اساس این گفتمان، منشاء احکام و قواعد حقوقی، اراده الهی است و انسان‌ها فقط مجری این احکام تمام عیار و غیر قابل تغییر تصور می‌شوند. اما این گفتمان در پی ورود جریان مدرنیته به ایران مانند دیگر عرصه‌های فکری به چالش کشیده شد و گفتمان جامعه شناختی حقوق در ایران هرچند بسیار کند اما مراحل جنینی خود را سپری و متولد شد. این گفتمان به "ترجمه گرایی و النقاط" در انقلاب مشروطه و "جریان مدرن شدن حقوق ایران" در عصر پهلوی آلوده شد و با چهره‌ای خشن در عصر پهلوی اول و گاه نرم در عصر پهلوی دوم به جامعه سنتی ایران تحمیل شد. گفتمان مدرنیته حقوق در ایران در جریان انقلاب اسلامی به چالش کشیده شد. گفتمان انقلاب اسلامی در پی آن بود که با آشتی دادن عناصر نو در حقوق اسلامی، طرحی نو برای حل مسایل حقوقی با توجه به تغییرات اجتماعی در

اندازد. گفتمانی که در این نوشتار از آن با عنوان "گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی" یاد شده است.

ضرورت نوآوری در حقوق اسلامی ریشه در تطابق قوانین حقوق اسلامی با نیازهای جامعه دارد. عدم انجام اصلاحات و نوآوری در حقوق می‌تواند در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سر منشاء مشکلات زیادی باشد و جامعه را از پویایی و تحرک باز دارد. در نظام‌های حقوقی برخی کشورها اصلاح و نوآوری جایگاه ویژه‌ای دارد. برای مثال پس از گذشت بیش از دو قرن، قانونگذار فرانسوی به منظور ساده‌سازی حقوق قراردادها و نوسازی حقوق داخلی در 10 فوریه 2016 مبادرت نموده است (نوری یوشانلوئی و شاهین، 1397: 202). این اصلاحات در قانون مدنی به دنبال نوسازی و تقویت کارآمدی برخی از نهادهای حقوقی فرانسه با تضمین امنیت حقوقی و کارایی موجب جذابتر نمودن حقوق قراردادها فرانسه شد و کمک نمود تا حقوق قراردادها فرانسه به عنوان مبنای مبادلات اقتصادی با واقعیت‌های جهان مطابقت بیشتری داشته باشد (نوری یوشانلوئی و شاهین، 1397: 203).

در اصلاحات حقوقی، نقش نوآوران حقوقی یا حقوقدانان زبده بسیار پراهمیت است. نوآوران حقوقی سعی می‌کنند با وفادار ماندن به روح حقوق مادر و اصیل کشور، تغییراتی در آن ایجاد کنند که به سادگی، جذابیت و کارایی بیشتر آن بخش از حقوق منجر شود. نوآوری‌های حقوقی توسط سنتز طرح‌های مبتنی بر نظریه‌های حقوقی، تحت نظارت حقوقدانان زبده و با مشارکت نهادهای پژوهشی حقوقی ارایه می‌گردد. این نوآوری‌ها در معرض نقدهای علمی قرار گرفته و با اصلاحات پیشنهادی، خود به نوآوری‌های جدید و بهتر منتهی می‌شود.

اگر ضرورت انجام اصلاحات و نوآوری‌های حقوقی درک نشود، برخی قوانین در طول زمان، تناسب خود را با شرایط اجتماعی از دست خواهند داد و در نتیجه خود به مانعی در جهت کارایی تبدیل خواهند شد. از طرف دیگر در نتیجه تغییرات اجتماعی سریع جامعه، خلاء یا شکاف‌های قانونی ایجاد خواهد شد که برخی افراد با سوء استفاده از آن به قانون‌شکنی مبادرت خواهند نمود. بر این اساس، نظام‌های حقوقی معتبر جهانی، اصلاح و نوسازی خود را مد نظر قرار می‌دهند و در اینکار از حقوقدان‌های زبده و پژوهشکده‌های حقوقی مشاوره می‌گیرند. انجام چنین کاری در نظام حقوقی ایران نیز ضرورت دارد؛ اما نوآوری‌های حقوقی در نظام حقوقی ایران بسیار کند است و راهبردهای منسجم برای آن وجود ندارد. با درک این نیاز مهم، و توجه به نقش نوآوری‌های حقوقی در تحقق "عدالت نظم آفرین" در این مقاله تلاش شده است به این مساله از منظری جدید پرداخته شود و به پاسخ سوالات کلیدی زیر دست یابد:

- جایگاه گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی در میانه گفتمان حقوق الهیاتی- فلسفی و گفتمان حقوق مدرنیته چیست؟
- آیا در قلمرو علوم اسلامی، مبانی و خمیره مایه نوآوری در حقوق اسلامی قابل ردیابی است و از آن‌ها می‌شود در جهت نوآوری حقوق اسلامی بهره گرفت؟
- راهبردهای نوآوری در حقوق اسلامی کدامند؟

پاسخگویی به این سوالات اساسی نیازمند شناخت گفتمان حقوق اسلامی، تبارشناسی این گفتمان و شناخت نیازها و مطالبات حقوقی جدید است.

## 2. روش تحقیق

پژوهش حاضر با بررسی مطالب و داده‌های متون اسلامی موجود با روش توصیفی و تحلیل گفتمان لاکلا و موفه انجام گرفته است.<sup>1</sup> (ر. ک: لاکلا و موفه،<sup>2</sup> 1985؛ یورگنسن و فیلیپس،<sup>3</sup> 2002). در این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات معتبر، کتاب‌ها و اسناد مرتبط مورد کنکاش قرار گرفت و مطالب مرتبط جهت تحلیل انتخاب گردید.

## 3. جایگاه گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی در میانه گفتمان حقوق سنتی و حقوق مدرنیته

گفتمان سنتی غالب بر حقوق اسلامی، "گفتمان حقوق فلسفی و الهیاتی" بوده است. در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه مرکزی "قانوگذاری بر اساس اراده الهی"، نظام معنایی متشکل از دال‌های شناور "استقلال حقوق از عوامل اجتماعی و فراحقوقی"، "متن محوری"، "الزام انسان‌ها به اجرای حقوق" و "عدالت نظم آفرین" شکل گرفته است. (شکل 1)

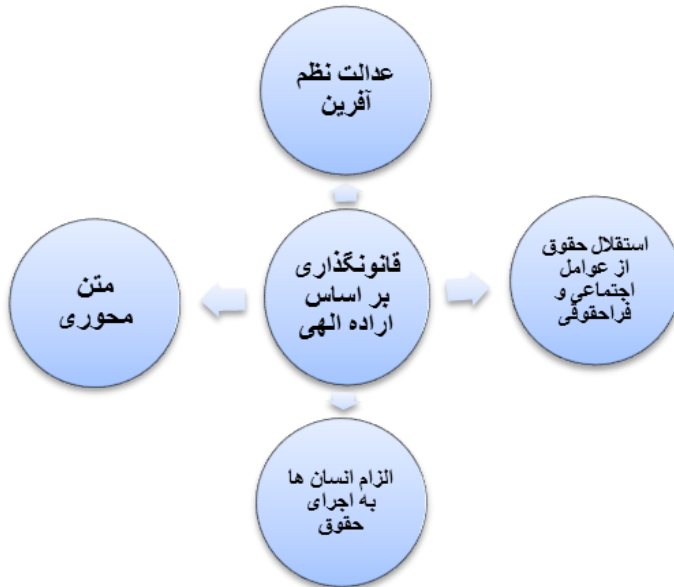
گفتمان حقوق الهیاتی و فلسفی بر این مبنا استوار است که حفظ نوع بشر در زندگی اجتماعی نیازمند کنترل تنازع و کشمکش انسان‌ها به واسطه قانون دادگرانه شریعت تحقق می‌یابد. این گفتمان درباره رد دخالت انسان در تدوین این قوانین معتقد است اگر این اینکار به خود آنان واگذار شود، کشمکش و نزاع تداوم می‌یابد و آن‌ها با پیگیری منافع فردی یا گروهی

<sup>1</sup> منابع زیادی درباره روش تحلیل گفتمان در مقالات علمی- پژوهشی وجود دارد و بر این اساس به علت محدودیت حجم مطالب از توضیح بیشتر درباره روش تحقیق خودداری شده است.

<sup>2</sup> Laclau, E and Mouffe

<sup>3</sup> Jorgenson, M and Philips, L.

حاضر نیستند از دیدگاه یکدیگر پیروی کنند. به این جهت حقوق الهی و شرعی از جانب خداوند و توسط پیامبر بر مردم عرضه می‌شود. ضمانت اجرای این قوانین نیز پاداش و مجازات دنیوی و اخروی است (ر ک: علامه حلی، با شرح فاضل مقداد، 1368: 86). گفتمان حقوق الهیاتی و فلسفی بر این باور است که بیشتر قواعد حقوقی ثابت هستند، چراکه در حقیقت روابط اجتماعی را دارای ماهیت ثابت و حقوق حاکم بر آن‌ها را نیز ثابت می‌داند.



شکل 1- مفصل بندی گفتمان حقوق فلسفی و الهیاتی

اما با ورود مدرنیته گفتمان الهیاتی- فلسفی به چالش کشیده شد. در گفتمان الهیاتی- فلسفی، حقوق اسلامی بیشتر مبتنی بر متون فقهی و اصول فقهی سنتی است. منتقدان معتقدند این گفتمان توانایی پاسخگویی به نیازها و مطالبات حقوقی جامعه مدرن امروزی را ندارد. آن‌ها دلیل این ناتوانی را باید در مبنای تولید قاعده حقوقی این گفتمان جستجو نموده و معتقدند دکتربین حقوقی- مذهبی در تولید قاعده حقوقی در طرح مسایل به صورت موردی بر اساس متون سنتی استوار است. این دکتربین در حقوق سنتی اسلامی نیز صادق است (شاخت، 1388: 210). منتقدان گفتمان الهیاتی- فلسفی تاکید دارند قرائت سنتی از فقه، قادر نیست نظام زبان شناختی سنت را به درستی بشناسد و در فهم ماهیت و سیاست امروز از محدوده

وصفی و قیاسی فرتر نمی رود. در این معنا گفتمان حقوق الهیاتی- فلسفی، التفات مطلوبی به ضرورت توجه به هر سه حوزه فرهنگی دینی، فرهنگ ملی، فرهنگ غربی ندارد.

در تقابل با گفتمان الهیاتی- فلسفی، گفتمان حقوقی مدرنیته مبتنی بر پوزیتیویسم تجربی است و با حاکمیت ارزش‌های دینی و باورهای مابعدالطبیعی مخالفت می‌کند. حقوق مدرن با استقلال از دین و جایگزین شدن عقل تجربی به جای اسناد دینی به عنوان مبنای قاعده حقوقی شناخته می‌شود. این رویکرد به حقوق، منابع حقوقی مختلف گذشته مانند دین، اجماع، و عرف را به تدریج طرد کرده و در تدوین قواعد حقوقی، دولت را بر اساس "عقل خودبنیاد" مبنا تلقی می‌کند (راسخ، 1386: 13). به عبارت دیگر مدرنیته حقوقی درست از زمانی عینیت می‌یابد که دولت بر مبنای اراده عمومی موجب حذف همه مرجعیت‌ها و فراروایت‌های مذهبی، سرزمینی، سیاسی و غیره می‌شود که واسط بین فرد و دولت می‌گردند. (سلرز<sup>1</sup>، 2003: 14-96).

گفتمان حقوقی مدرنیته مشابه «مکتب تاریخی حقوق»، روابط اجتماعی میان انسان‌ها را در ذات خود متغیر و بنا بر این قواعد حاکم بر آن‌ها را نیز متغیر می‌داند. در مدرنیته حقوقی، نقش دکترین حقوقی-مذهبی بسیار کم‌رنگ است، چراکه روش مدرسی معتبر دانسته نمی‌شود. با این استدلال که یک نظام علمی واقعی و مبتنی بر عقل تجربی نمی‌تواند بر تعبد برآمده از متون سنتی استوار باشد و نیز این که علم واقعی باید بنای خود را در یک سیستم بیابد نه این از مقایسه موردی به دست آمده باشد (شهابی، 1388: 77).

برداشت متفکران اجتماعی در دوران مدرن از حقوق این است که حقوق چیزی فرادنیوی نیست. آنان حقوق را پدیداری اجتماعی و تجربی دانسته‌اند که ایجاد و تحول آن در گرو عوامل اجتماعی دیگر است. بیشتر آن‌ها حقوق را وسیله‌ای عملی و اجرایی می‌دانند که در جهت هدایت، مدیریت، اداره و نظم بخشیدن به کنش‌های متقابل اجتماعی، ساخت اجتماعی یا هر دو به کار می‌آید.

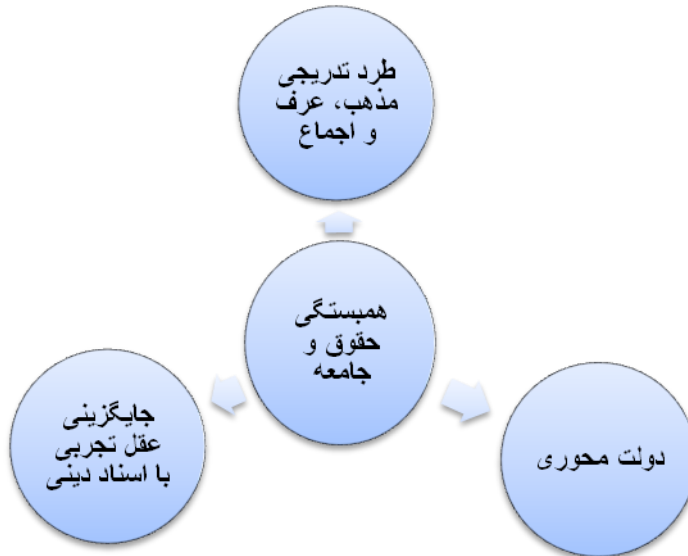
گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی با طرد برخی دال‌های این دو گفتمان و با درهم شکستن ساختار گفتمانی آن‌ها، برخی دال‌های آن‌ها را در ساختاری نو به کار می‌گیرد. دال‌های گفتمان نوآوری حقوقی، تقویت جذابیت و کارایی حقوق، توجه به مقتضیات جامعه ملی و بین‌المللی، تقدم موضوع شناسی بر حکم شناسی حقوقی، نوآوری با حفظ شالوده حقوق اسلامی، توجه به منابع عقلی، اجماعی و عرفی در کنار متن محوری هستند. در این مفصل‌بندی جدید گفتمانی،

<sup>1</sup> sellers

نوآوری حقوقی به معنای انکار اراده الهی در حقوق و زندگی حقوقی و اجتماعی نیست. همچنین اعتقاد به نوآوری حقوقی به معنای نسبی‌گرایی افراطی قواعد و نهادهای حقوقی نیست. بلکه گفتمان نوآوری حقوقی معتقد است قانونگذاری مردم و حق مالکیت آن‌ها بر سرنوشت خویش دارای مرز و محدوده‌ای معین است. شالوده‌گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی بر دال مرکزی "توجه همزمان به بخش‌های ثابت و متغیر حقوق" استوار است. "گفتمان نوآوری حقوقی"، ارتباط و همبستگی حقوق و جامعه را به رسمیت می‌شناسد و با پذیرش قلمرویی از ارزش‌های مطلق به عنوان راهنمای نظام حقوقی، بین دگرگونی‌های اجتماعی و دگرگونی‌های حقوقی یا بین حقوق به عنوان یک پدیده اجتماعی پویا و نیروهای اجتماعی تلازم و رابطه جدلی (دیالکتیک) تصور می‌کند. به این معنا که حقوق هم بر مجموعه‌ای متنوع از نیروهای اجتماعی تاثیر می‌گذارد و هم خود از آن عوامل تاثیر می‌پذیرد.

این گفتمان، با تاکید بر نقش عوامل فراحقوقی در کنار عوامل حقوقی، حقوق را ابزاری برای دست یافتن به نظم و عدالت اجتماعی و حفظ و استقرار آن تلقی می‌کند. این گفتمان با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و تعاملات جامعه ملی و بین‌المللی در کنار متن محوری به منابع دیگر حقوقی مغفول اسلامی (منابع عقلی، اجماعی و عرفی) بها می‌دهد و خود را از متن‌گرایی صرف می‌رهاند. بر خلاف گفتمان الهیاتی-فلسفی و مدرنیته که بر ثبات یا تغییر دایمی ذات حقوق اصرار و تاکید دارند، گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی، بخشی از حقوق را ثابت و بخشی از آن را متغیر می‌داند.<sup>1</sup> نوآوری در حقوق نیز در بخش متغیر و با تکیه بر اصول و قواعد بخش ثابت انجام می‌گیرد. ریشه‌های گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی را می‌توان در قلمرو علوم کلام، اصول و فلسفه و فقه ردیابی نمود.

<sup>1</sup> برخی متفکران با تفکیک میان قواعد حاکم بر روابط انسان با انسان و روابط انسان با طبیعت، قواعد حاکم بر روابط انسان با انسان را ثابت می‌پندارند و قواعد حاکم بر روابط انسان و طبیعت را با توجه به تحول در شیوه‌های سلطه بشر بر طبیعت متغیر می‌دانند و بنا بر این قواعد حاکم بر حوزه انسان و طبیعت را متغیر معرفی می‌کنند (صدر، 1375: 686 و رک: حکمت‌نیا، 1381: 120 - 107؛ میرمعزی، 1380: 10 - 95).



شکل 2- مفصل بندی گفتمان حقوق مدرنیته



شکل 3- مفصل بندی گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی



در جدول زیر (جدول 1)، ساختار مفصل بندی گفتمان نوآوری در حقوق اسلام با گفتمان الهیاتی- فلسفی و مدرنیته حقوقی مقایسه شده است.

جدول 1- مقایسه ساختار مفصل بندی گفتمان نوآوری در حقوق اسلام با گفتمان الهیاتی-فلسفی و مدرنیته حقوقی

نوع گفتمان حقوقی	دال مرکزی	دال های اصلی
گفتمان الهیاتی- فلسفی	قانونگذاری بر اساس اراده الهی	استقلال حقوق از عوامل اجتماعی و فراحقوقی الزام انسان ها به اجرای حقوق متن محوری عدالت نظم آفرین
گفتمان مدرنیته حقوقی	همبستگی حقوق و جامعه	دولت محوری جایگزینی عقل تجربی با اسناد دینی طرد تدریجی مذهب، عرف و اجماع
گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی	توجه همزمان به بخش های ثابت و متغیر حقوق	تقویت جذابیت و کارایی حقوق توجه به مقتضیات جامعه ملی و بین المللی تقدم موضوع شناسی بر حکم شناسی حقوقی نوآوری با حفظ شالوده حقوق اسلامی توجه به منابع عقلی، اجماعی و عرفی در کنار متن محوری

#### 4. پیشه زمینه معرفت شناختی نوآوری در حقوق اسلامی

لازمه و پیش نیاز هر نوآوری، در اختیار داشتن معرفت شناسی جامع و پویا است. تدوین نظریه معرفت شناسی اسلامی توسط علامه طباطبایی بر اساس "حکمت صدرایی" گشایش مسیری جدید است که به اتکای آن می توان نوآوری در بیشتر حوزه های علوم اسلامی به ویژه حقوق اسلامی را توسعه داد. مزیت این نظریه در آن است که هم نوآوران حقوقی را از محدودیت ها و تنگ نظری های رویکرد حقوق الهیاتی- فلسفی می رهاند و هم از افتادن آن ها در دام پوزیتیویسم تجربی مدرنیته حقوقی باز می دارد. این نظریه امکان بنای یک نظام علمی را نه بر مبنای مقایسه صرف و متن محوری بلکه تلفیقی از امور اعتباری و واقعی فراهم می کند. بر خلاف تصور برخی پژوهشگران (از جمله ملایی و سوزنچی، 1398: 101) این نظریه علوم اجتماعی را از حکمتی برهانی محروم نمی سازد و امکان استفاده از حکمت برهانی در کنار حکمت جدلی بر اساس این نظریه در علوم اجتماعی فراهم است.

بر اساس نظریه معرفت‌شناسی اجتماعی علامه طباطبایی سه دسته امور از همدیگر قابل تفکیک هستند: حقایق (موجودات واقعی)، اعتباریات و وهمیات. (طباطبایی، 1362: 367). این نظریه در تفکیک امور حقیقی از اعتباری مسیری برای نوآوری در حوزه علوم اسلامی است. بر اساس این تفکیک، علم حصولی به دو دسته علوم حقیقی و علوم اعتباری تقسیم بندی می‌شود. علوم اعتباری در این معنا تصور یا تصدیقی است که در خارج از ظرف عمل وجود ندارد و بر اساس استعاره گرفتن مفاهیم نفس الامری حقیقی برای امور مختلف به منظور دست یافتن به اهداف زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. علامه طباطبایی معتقد است ماهیت علوم اعتباری به گونه‌ای است که از محیط انسانی تأثیر می‌پذیرد و حقایق علوم اعتباری مخلوق و تابع خود انسان‌ها یعنی زندگی انسانی و اجتماعی و نیازهای اساسی است. بر این اساس ماهیت علوم اعتباری عدم ثبوت و تغییرپذیری آن‌ها است (طباطبایی، 1362: 366). علامه طباطبایی ادراک اعتباری را به دو دسته "ادراک اعتباری پیش از اجتماع (عام)" و "ادراک اعتباری پس از اجتماع (خاص)" تقسیم‌بندی می‌کند.

"ادراک‌های اعتباری پیش از اجتماع"، عمومی و ثابت هستند و آدمی ناگزیر است آن‌ها را خود بسازد. علامه اعتباریات پیش از اجتماع را به پنج دسته تقسیم بندی می‌کند: اصل ملک، سخن و کلام، ریاست و مرئوسیت، امر و نهی، پاداش و مجازات. این دسته از اعتباریات اولیه در همه دوره‌ها و همه جوامع بشری فارغ از نوع و پیچیدگی آن‌ها قابل مشاهده هستند. اما دسته دیگری از ادراک‌های اعتباری با تغییر سبک‌های زندگی اجتماعی دگرگون می‌شوند. به این معنا که جوامع انسانی به تناسب پیشرفت خود مفاهیم جدیدی ساخته‌اند و آن‌ها را در زندگی اجتماعی خود به کار گرفته‌اند. این دسته را می‌توان "ادراک‌های اعتباری پس از اجتماع" نامید.

حال بر اساس این نظریه، علم حقوق را می‌توان در دسته علوم اعتباری دانست که شناخت "ادراک‌های اعتباری پیش از اجتماع" به عنوان بخش ثابت و عمومی و شناخت "ادراک‌های پس از اجتماع" به عنوان بخش متغیر در آن قابل ردیابی است. نوآوری در حقوق بر اساس شناخت ادراک‌های پس از اجتماع به عنوان جزء متغیر قابل تحقق است. بر این اساس نوآوری در حقوق هرگز به معنای انکار جزء ثابت ادراک‌های اعتباری نیست؛ بلکه با حفظ و شناخت همان بخش ثابت، بر اساس شناخت تغییرات ادراک‌های اعتباری، قواعد حقوقی جدید را تدوین می‌کند.

### 5. ردیابی ریشه‌های گفتمان نوآوری حقوق اسلامی در کلام، اصول فقه، و فلسفه

علاوه بر نظریه معرفت‌شناسی اسلامی علامه طباطبایی، ریشه‌گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی را می‌توان در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی جستجو نمود. جدول زیر برخی دیدگاه‌ها و مفاهیم کلیدی موجود در علوم اسلامی شامل کلام، فلسفه، اصول فقه، اخلاق و اقتصاد اسلامی را که از آن‌ها می‌توان در جهت استنباط تغییرپذیری قوانین و نوآوری در حقوق اسلامی بهره‌گرفت خلاصه کرده است. (جدول 2). تشریح این نظریه‌ها خود به نوشتاری مستقل نیازمند است. وجود این نظریه‌ها و مفاهیم نشان می‌دهد نظام حقوقی اسلام، سرمایه‌ای غنی از نظریه‌های متنوع در اختیار دارد که به مدد آن‌ها می‌توان به پویایی نظام حقوقی امید بست.

جدول 2- ردیابی ریشه‌های گفتمان نوآوری حقوق اسلامی در نظریه‌ها و مفاهیم علوم اسلامی کلام، اصول فقه، فلسفه و اخلاق

ردیف	نظریه، دیدگاه یا مفهوم کلیدی	نظریه پرداز	منبع مکتوب
1	دسته بندی اعمال از نظر ثبات یا تغییر ارزش آن‌ها	شیخ طوسی	تمهید الاصول صص 687-679
2	بیان علل تغییر احکام و شریعت‌های پیش از اسلام	شیخ طوسی	تمهید الاصول صص 711-715
3	جنبه بازدارندگی وضع مقررات حقوق	شیخ طوسی	کمال الدین و تمام النعمه صص 13-12
4	نقدی بر استیلای نگرش فردگرایانه بر فقه و عدم توجه به نگرش اجتماعی	شهید صدر	همراه با تحول اجتهاد صص 8
5	جایگاه عقل در فقه	شیخ مفید	کنزالفوائد کراچی 186-187
6	تفسیر معرفت‌شناسانه از معرفت‌های حقوقی	علامه طباطبایی	رسائل سبعة
7	تقسیم احکام مستقل عقلی و احکام غیر مستقل عقلی	متکلمان و فقهای اسلامی	نضد القواعد الفقهیه فاضل مقداد صص 13
8	نقش عقلا و خردمندان در متناسب سازی عقود جدید با شرایط مکانی و زمانی.	مغنیه	فقه الامام الصادق صص 19-18
9	تغییر برخی احکام با عرف جامعه	فاضل مقداد	نضد القواعد الفقهیه صص 90
10	تفکیک احکام عبادی و غیر عبادی (معاملات)	مغنیه	فقه الامام الصادق جز سوم صص 14-13

ردیف	نظریه، دیدگاه یا مفهوم کلیدی	نظریه پرداز	منبع مکتوب
11	مصالح مرسله	غزالی	المستصفی من علم الاصول، مبحث استصلاح.
12	ضابطه " محلله مقصوده" یا حلال بودن فعالیت‌های اقتصادی جدید به شرط ممنوع نشدن توسط شرع و لازم دانستن آن توسط عقلا مثال مجاز بودن خرید و فروش خون به شرط منفعت حلال.	شیخ انصاری	مکاسب محرمة صص 11-17.
13	نظریه مقتضیات زمان و مکان	مطهری	اسلام و مقتضیات زمان صص 184-194، 204-213، 218-227، 242.
14	نظریه فقه مقاصدی	شاطبی	کتاب الموافقات فی لاصول الشریعه، الجزء الثانی صص 321-333.
15	قاعده "ضرورت حفظ نظام اجتماعی"	دیلمی	مرور زمان (بررسی فقهی-حقوقی) صص 132-136.
16	نظریه ثبات اصول اخلاقی و دگرگونی مصادیق آن	علامه طباطبایی	تفسیر المیزان ج 1 صص 253 و 10، ج 6 صص 256-257.
17	نظریه منطقه الفراغ (تغییر پذیری رابطه انسان با طبیعت)	صدر	اقتصاد ما صص 680-683.
18	دخاله زمان و مکان در فقه	امام خمینی	صحیفه نور، ج 21، ص 98.

در این میان شیخ طوسی با دسته بندی اعمال از منظر ثبات یا تغییر ارزش آن‌ها، بیان علل تغییر احکام و شریعت‌های پیش از اسلام و تأکید بر جنبه بازدارندگی وضع مقررات حقوق، جایگاه ویژه‌ای دارند. دسته بندی اعمال انسان‌ها توسط شیخ طوسی از منظر ارزش گذاری به دو دسته اعمالی که ارزش آن‌ها ثابت است (یعنی همیشه خوب یا بد هستند) و اعمالی که ارزش آن‌ها متغیر است (یعنی در برخی شرایط خوب و در برخی شرایط بد هستند) می‌تواند سندی بر لزوم در نظر گرفتن تأثیر شرایط محیطی، زمانی و اجتماعی در ارزش گذاری برخی اعمال آدمی در نظر گرفت (ر. ک: شیخ طوسی، 1358: 687-679) و از آن در استدلال برای نوآوری‌های حقوقی بهره گرفت. شیخ مفید با ارایه نظریه جایگاه عقل در فقه، رهایی از بن بست متن‌گرایی صرف را در فقه نوید داده‌اند. بر این اساس درباره مسایل جدیدی که در کتاب و سنت، احکامی منطبق با آن‌ها وجود

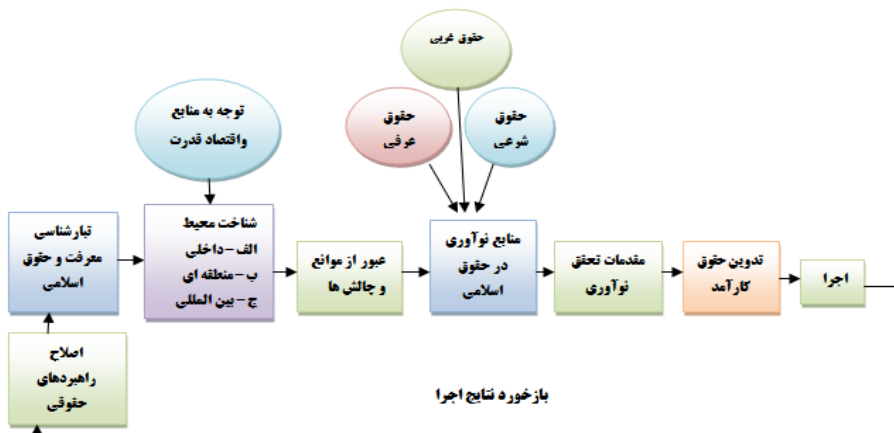
ندارد به استناد منابع معتبر اسلامی "داوری عقل" مرجع شناخته شده است (مکدموت<sup>1</sup>، 1372): 390-392). وظیفه فقیه، استخراج احکام الهی از طریق منابع معتبر اسلامی است. گرایش حاکم بر فقه و اجتهاد اسلامی، نگرش فردگرایانه بوده است. این نگرش فردگرایانه مانعی مهم در تولد گفتمان نوآوری‌های حقوقی بوده است. بر این اساس هرچند فقه و اجتهاد بستری مهم برای رشد گفتمان نوآوری حقوقی اسلام محسوب می‌شود اما دروازه نوآوری‌های حقوقی اسلام در قالب جریان اجتهادی با جریان‌های فقهی تقلیدی و متن‌گرایی اخباری محدود شده است. این جریان‌های فقهی، مانعی مهم در عقل‌مداری روشمندی، توسل به قیاس و شیوه‌های دیگر عقلی یا عقلایی و روی آوردن صاحب نظران و حقوق دانان اسلامی به تفسیر صرف متن در چارچوب کتاب و حدیث تلقی می‌شدند. به عبارت دیگر هرچند در روش اجتهاد شیعی، بر استدلال عقلی سهمی ویژه‌ای در نظر گرفته شده است اما در عمل، همان دغدغه‌های اخبارگری و متن‌محوری در بینش و روش اجتهادی وجود دارد و ترس خروج از قلمرو شریعت باعث شده است که به سیره و بنای عقلا و عرف، در عمل اهمیتی داده نشود (علیزاده، 1384: 130). اما با رشد یافتن فقه پویا، دروازه نگرش‌های فردی و اجتماعی به نیازهای آدمی به صورت هم‌زمان و مقارن همدیگر گشوده شد. نگرشی که در رشد گفتمان نوآوری حقوق اسلامی موثر بوده است. برخی عوامل پویایی فقه، درونی است و به کار مجتهد، با توجه به مبادی و منابع فقه و خصوصیات انعطاف‌پذیر کتاب و سنت و به کارگیری عقل به عنوان منبعی برای استنباط احکام مربوط می‌شود. اما در این میان عامل زمان و مکان که ظرف تحقق فقه پویاست، و نیز عامل حکومت، که مصدر و مجری احکام حکومتی در دایره مصلحت نظام، و حفظ حدود و ثغور مسلمین از تجاوز بیگانگان است به عنوان عوامل بیرونی پویایی فقه موثر هستند (فیض و حسینی سمنانی، 1387: 97). توجه به بعد جمعی و اجتماعی احکام، تلازم موضوع شناسی و حکم شناسی در فرایند اجتهاد، تحول عرفی موضوعات احکام، ضابطه "محلله مقصوده" شیخ انصاری، احکام ثابت و متغیر فقه، نظریه مقتضیات زمان و مکان، نظریه فقه مقاصدی و توجه به قاعده "ضرورت حفظ نظام اجتماعی" (دیلمی، 1382: 132-136) از جمله مواردی هستند که توجه و تدقیق در آن‌ها نشان می‌دهد خمیره نوآوری در حقوق اسلامی همیشه فراهم بوده است. یکی از کلیدواژه‌های مهم در این میان توجه به رابطه زمان و مکان با فقه است. دگرگونی‌هایی که در جامعه انسانی به وقوع می‌پیوندد سبب می‌شود حکم به تبعیت از موضوع تغییر یابد، فتوای فقیه عوض شود و در نتیجه فهم انسان از دین نیز متحول شود (درویشی هویدا، 1381). هرچند

<sup>1</sup> McDermott

نظریه تاثیر زمان و مکان بر احکام فقهی و روح این اصل در سخنان بسیاری از بزرگان و فقها مطرح شده است؛ اما اولین شخصیتی که با عنایت و به صورت یک بحث کلی و عمومی و به شکل جامع‌تر و قوی‌تر و به صورت یک توصیه برای اجتهاد، مطرح کردند امام خمینی (ره) بوده‌اند (نقیبی و جلیل‌زاده ماکویی، 1391). از دیدگاه ایشان بدون دخالت دادن زمان و مکان، اجتهاد در مسائل امکان‌پذیر نیست (امام خمینی، ج 21، 98).

## 6. الگوی راهبردی نوآوری در حقوق اسلامی

حال به عنوان مسأله‌ای حیاتی در این بخش می‌توان این سوال را پرسید که برای کاهش چالش‌ها و تنش‌های موجود نظام حقوقی ایران در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی، بهتر است نوآوری در این حوزه به کدام سمت و سو سوق داده بشوند؟ تجربه انقلاب مشروطه و عصر پهلوی نشان می‌دهد رشد گفتمان‌های التقاطی در نظام حقوقی ایران نتایج و تبعات مناسبی بر جامعه نخواهد داشت. بر این اساس هر گفتمانی که در این حوزه توسعه می‌یابد باید منطبق با واقعیت‌های آن جامعه و شرایط زمانی آن باشد. بر این اساس لزوم به کارگیری راهبرد علمی و کارآمد در نظام حقوقی اسلام بیشتر از همیشه احساس می‌شود. راهبرد راهی برای رسیدن به اهداف آینده است و رمز موفقیت آن در طراحی و تدوین درست و اجرای دقیق در عمل است. برای طراحی الگوی راهبردی رویکردهای مختلفی وجود دارد. این رویکردها شامل رویکردهای مرحله‌ای، کثرت‌گرا-نخبه‌گرا، نئومارکسیستی، زیرسامانه‌ای، گفتمانی و نهادگرایی است (عصاربان‌نژاد، 1389: 19). در این پژوهش برای طراحی الگوی راهبردی از رویکرد گفتمانی استفاده شده است.



شکل (4): الگوی راهبردی نوآوری در حقوق اسلامی

الگوی راهبردی برای نوآوری در حقوق اسلامی از عوامل زیر تاثیر می‌گیرد:

### 6-1. تبارشناسی معرفت و حقوق اسلامی

گام نخست برای تدوین راهبردهای نوآوری در حقوق اسلامی، تبارشناسی معرفت و حقوق اسلامی است. بدون تبارشناسی و شناخت معارف مختلف اسلامی و تسلط بر شیوه‌های استخراج قواعد حقوقی نمی‌توان به این مسیر گام نهاد.

### 6-2. شناخت محیط

در تدوین راهبردهای نوآوری حقوق اسلامی، باید به دو مرحله موضوع شناسی و حکم شناسی توجه نمود. به لحاظ روش شناسی و منطقی، شناخت موضوعی که حقوقدان بنا دارد، حکم آن را بیان کند، بر بیان حکم آن مقدم است. متأسفانه موضوع‌شناسی، در فقه سنتی اسلام چندان مورد توجه واقع نشده است. بخشی از موضوع شناسی به تبارشناسی مسایل حقوقی در زمان صدور این احکام مربوط می‌شود و بخشی دیگر به موضوعات امروزی جامعه مربوط می‌شود. به وجود آمدن موضوعات جدید و بی سابقه و گسترده شدن این موضوعات حقوقی، کار موضوع شناسی را دشوارتر از پیش کرده است (ر.ک. علیزاده 1384: 144-145). تدوین قواعد حقوقی بدون مطالعات تاریخی و شرایط اجتماعی، فقط بر پایه قیاس‌های نامطمئن انجام خواهد گرفت که نتیجه آن ناکارآمدی، پیچیدگی و تعلل در اجرای عدالت خواهد بود.

مولفه‌ها و رویکردهای مد نظر برای نوآوری در حقوق اسلامی تحت تاثیر محیط قرار دارد. قوانین حقوق اسلامی، باید بر اساس واقعیت‌های محیطی میان هویت ذهنی و عینی، ایدئولوژیک و علمی تناسب برقرار کنند. از آسیب‌های مهم نظام حقوقی ایران تاثیرپذیری و نوسان آن از اتفاقات زودگذر اجتماعی و در طیف دیگر آن جمود در برابر واقعیت‌های غیر قابل انکار اجتماعی و عدم انعطاف در جهت مدرنیزاسیون حقوق دینی است. از این رو رویکردهای نوآوری در حقوق اسلامی باید نقش محیط را شناسایی نماید. اهمیت این موضوع به حدی است که اغلب محققان سازمانی، مدیریت راهبردی را پاسخی هوشمندانه به چالش‌ها و تلاطم‌های محیطی می‌دانند (دیوید، 1382: 27).

شناخت محیطی شامل "شناخت ساختار" و "شناخت عاملیت" می‌باشد. شناخت ساختار به شناخت علل ریشه‌ای مسایل حقوقی، عوامل زمینه‌ای، و نقش نهادهای حقوقی اشاره دارد.

شناخت عاملیت نیز به شناخت اشخاص حقیقی و حقوقی درگیر و مرتبط با مسایل حقوقی و عاملان حقوق اسلامی و ارتباط این عامل‌ها با همدیگر در سطوح مختلف مربوط می‌شود. رصد به موقع مسایل و مطالبات حقوقی و شناخت ابعاد ساختاری و عاملیتی آن‌ها به ما کمک می‌کند تا بر شکاف زمانی برساخت قوانین حقوقی غلبه کنیم. شناخت چند لایه و چند بعدی به تصمیم‌سازان کمک می‌کند تا در تدوین قوانین با توجه به اقتصاد قدرت، راهبردهای نوآورانه را به کار گیرند.

در طراحی الگوی راهبردی برای نوآوری در حقوق اسلامی باید امکان اجرا را با توجه به منابع و محدودیت‌های موجود سنجید. از نظر اقتصاد قدرت، امکان اجرای نوآوری‌های حقوقی تحت تاثیر محدوده عمل و منابع مورد نیاز؛ میزان جلب علائق به نوآوری‌های ارائه شده؛ میزان پاسخگویی تدوین کنندگان یا حامیان پیشنهاد نوآوری در مقابل انتقادهای مخالفان در ارتباط است. اقتصاد قدرت هم در سطح داخلی و هم بین المللی امکان اجرای پیشنهادات نوآوری را مد نظر قرار می‌دهد.

### 3-6. عبور از موانع و چالش‌ها

موانع و چالش‌های تحقق نوآوری حقوقی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

#### 1-3-6. جمود فکری

یکی از موانع مهم تحقق نوآوری در حقوق اسلامی جمود فکری است. جمود به معنای "بسته ذهنی"، "تنگ نظری" و "داشتن اندیشه‌ای راکد و ساکن" است (اسفندیاری، 1376: 65). فرد آلوده به جمود فکری، "هر تازه‌ای را فساد و انحراف می‌خواند. . . میان هسته و پوسته، وسیله و هدف فرق نمی‌گذارد. از نظر او دین مأمور حفظ آثار باستانی است. از نظر او قرآن نازل شده است برای اینکه جریان زمان را متوقف و اوضاع جهان را به همان حالی که هست می‌خکوب کند" (مطهری، 1381، ج 19، 110). روحیه جمود خلاف روح اسلام (مطهری 1381: 86)، سد راه شناخت (مطهری 1381: ج 9، 419) و بزرگ‌ترین دشمن قرآن است (مطهری، 1381، ج 9، 97). در قرآن کریم، نزدیک‌ترین مفهوم به جمود فکری، "شد قلب" به معنای نفوذ ناپذیری در مسیر شناخت و هدایت پذیری است.

مهم‌ترین عامل تحجر یا جمود فکری عدم تفکیک بین اصول و پایه‌های ثابت و ضرور زندگی بشر با جنبه‌های متغیر و متحول آن است (ذوعلم، 1382: 13). تحجر و عدم پویایی در حقوق اسلامی نیز نتیجه همین عدم تفکیک بین اصول و پایه ثابت و ضرور حقوق اسلامی با



جنبه‌های متغیر و متحول آن است که ماحصل آن ممانعت از شکوفایی اندیشه و پیشروی جامعه اسلامی و تعامل مثبت با واقعیات روز جامعه است. مشخص است آیینی چون اسلام که از بیان سخنان نو دلهره‌ای ندارد و تنها انتخاب احسن را توصیه می‌کند، با هر جمود فکری مخالف و همیشه با نقد و نظر و پویایی موافق است و هرگز با مهر تکفیر و تفسیق به مبارزه با اندیشه‌ها و طرح‌های نو نمی‌رود، بلکه ضمن پایبندی به سنت‌های بنیادین، پیوسته برهان و استدلال را مورد تاکید قرار می‌دهد. (علایی رحمانی و محمص، 1389: 236-237)

### 3-6-2. غلبه متن محوری و هراس از اتکا به منابع غیر متنی حقوق

استفاده حقوق غربی از عرف، بنای عقلا، و احکام عقلی در کنار اسناد و متون مکتوب موجب پویایی و تناسب حقوق غربی شده است. در صورتیکه در حقوق اسلامی به رغم وجود همه این موارد به عنوان منابع حقوقی، صرفاً بر متون و اسناد مذهبی تاکید می‌شود. به عبارت دیگر حقوق اسلامی در متن محوری محصور شده است و استفاده از دیگر منابع حقوقی، زمانی ضرورت یافته است که به علت نبود متن، ابهام متن، یا تعارض متن، متن محوری جوابگو نبوده است. گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی در صدد است با احیای نقش واقعی منابع غیر متنی حقوق اسلامی، به پویایی آن کمک کند و از پیچیدگی و ابهام در حقوق اسلامی بکاهد.

### 3-6-3. بدعت گذاری

یکی از چالش‌های نوآوری در حقوق، یکسان انگاری بدعت با نوآوری است. واژه فارسی "نوآوری" در زبان عربی معاصر، معادل کلمه "التجدید" است (آذرنوش، 1381: 7). استفاده از این واژه در متون ایرانی و سایر کشورهای مجاور از قرن نوزدهم میلادی متداول شد (جان محمدی، 1386: 46). در کتب سلف، مفهوم کلمه نوآوری با بدعت گذاری یکسان است. اما بعدها بین بدعت و نوآوری تمایز ایجاد شده است. در کتاب‌های لغت طراز اول، "ب د ع" به معنای آفریدن و آغاز کردن (ابن منظور 1408: ج 1، 41) و ساخت چیزی بی الگوی قبلی است (ابن فارس 1404: ج 1، 209؛ جوهری فارابی 1426: ج 3، 986). در فرهنگ‌های لغت معاصر، "نوآوری" را ارائه ابتکاری روش‌های جدید در علوم و صنایع معنی کرده اند (دهخدا 1377: ج 14، 22767؛ انوری 1381: ج 8، 7994).

لغویان طراز اول، به تفاوت لغوی اندکی میان نوآوری و بدعت گذاری قایل بوده‌اند. مثلاً "آنان بدع را بدعت‌گذاری یا اعمال هرگونه دخل و تصرف در امر دین تعریف می‌کردند (ابن فارس 1404: ج 1، 209؛ ابن منظور 1408: ج 1، 341). با بررسی کتاب‌های معتبر حدیث به

نظر می‌آید بدعت‌گذاری از سوی معصومین (ع) همیشه ناپسند و شامل حکم تحریم بوده است. در روایات بدعت‌گذاران را گمراه و ملعون می‌نامند و بر این نکته تاکید دارند که سایر اعمال نیک آنان هرگز پذیرفته نمی‌شود (مجلسی 1403: ج 3، 289 و ج 2، 298).

بدعت‌گذار از توحید تشریعی روی می‌گرداند و در شئون ربوبی تصرف می‌کند که اینکار در اسلام از گناهان کبیره است. اما نوآور بر اساس سرشت کنجکاو، جستجوگر و حقیقت‌جوی خویش به نوپردازی در زندگی فردی و اجتماعی، در محدوده باورهای بنیادین نشأت گرفته از کتاب و سنت می‌پردازد و آیین اسلام نه تنها مخالفتی با اینکار ندارد، بلکه آن را لازمه حیاتی با نشاط و توانمند در پاسخ‌گویی به مقتضیات زمان و نیازهای جوامع اسلامی می‌داند (سبحانی، 1380: 75-83؛ دلشاد، 1382: 1382-1460). بنابراین به رغم آنکه بدعت‌گذاری ارزش علمی ندارد و به نوعی تولید جهل است، نوآوری مشروط بر آن که در تعارض با ارزش‌گذاری عقلانی و آموزه‌های حیات بخش و حیان‌ناشد، حرکت آفرین و تمدن‌ساز است.

نوآوری در حقوق با این مبنای لغوی و مفهومی توانایی ارائه مفهوم و یا فرآورده‌ای جدید در نظام حقوقی است که با ارائه محتوایی کاملاً جدید بر شالوده مفاهیم پایه‌ای حقوق اسلامی با هدف حل تناقضات و تعارضات میان مبانی اندیشه حقوقی اسلامی با حقوق عرفی و حقوق مدرن صورت می‌گیرد. این نوآوری‌ها می‌تواند با ارائه طبقه‌بندی جدید از حقوق و مفاهیم آن موجب تسهیل، ساده‌سازی، و ارتقای کارایی حقوق اسلامی گردد.

#### 6-3-4. گذشته‌گرایی حقوقی

توجه به سرمایه حقوقی گذشته یا گذشته‌نگری حقوقی بر خلاف گذشته‌گرایی، به عنوان ابزاری برای نوآوری در حقوق اسلامی از مقدمات مهم افزایش آگاهی و شناخت است؛ اما "گذشته‌گرایی معادل واژه تقلید کورکورانه و به معنای تبعیت از افعال و اقوال دیگری بی‌تامل و اندیشیدن است (راغب اصفهانی 1412: ج 1، 682). "بی‌شک، گذشته‌گرایی از جمله موانع در مسیر تحقق نوآوری است، زیرا تقلید کورکورانه به تدریج قابلیت‌های عالی ادراکی را از انسان می‌گیرد و از او موجودی راکد و وابسته می‌سازد (علایی رحمانی و محمص، 1389: 237). مسلم است در آیینی که تقلید رومی (زدودن تقلید از جامعه) را مقدمه هرگونه تعلیم و تحقیق می‌داند (جوادی آملی 1372: ج 6، 129 و 130)، جایی برای گذشته‌گرایی و ممانعت از نوآوری به ویژه در حوزه مسایل حقوقی وجود ندارد. گذشته‌گرایی حقوقی گاهی به ظاهر با کلیدواژه‌های موجهی چون صیانت از فهم سنتی علوم دینی انجام می‌گیرد؛ اما "تاکید بر

صیانت از فهم سنتی علم دینی، گویای عدم تمایل به تحول در فهم الگوهای قابل استخراج از مبانی است. (پورعزت، 1387: 93). "

### 6-3-5. شخصیت‌گرایی

منظور از شخصیت‌گرایی گرایش به شخصیت‌های معروف و انسان‌های صاحب نام و مقام است (مصاحبی 1383: ج 1، 674). شخصیت‌گرایی به عنوان عاملی مهم در خروج از اعتدال موجب می‌شود روح و جان افراد در قالب جانب‌داری از مجموعه رویکردهای فکری و عملی تسخیر شود. شخصیت‌گرایی از آن جا که یکی از موانع بنیادین در مسیر شناخت حقایق و ره یابی بدان است یکی از موانع تحقق نوآوری محسوب می‌شود و سبب می‌گردد فرد از پذیرش هر اندیشه‌ای که در وجود شخص مورد نظرش نمی‌یابد، امتناع کند (علایی رحمانی و محمص، 1389: 238). در مسایل حقوقی اسلام نیز شخصیت‌گرایی مانع از شجاعت در نوآوری می‌شود؛ طوریکه افراد از ورود در حوزه نقد اندیشه‌های سنتی پرهیز می‌کنند. و حتی ارایه نوآوری در این حوزه با احتمال برچسب‌های ضد دینی و تکفیر به محافظه کاری تبدیل می‌شود.

### 6-3-6. التقاط و ترجمه‌گرایی

یکی از موانع مهم تحقق نوآوری در حقوق اسلامی مساله التقاط و ترجمه‌گرایی است. منظور از التقاط در کنار هم قرار گرفتن عناصر در کنار هم به صورت مکانیکی و ارایه تحلیل‌های سطحی از این چینش‌های ناهمگون است. التقاط ممکن است به اسم نوآوری انجام گیرد اما در عمل نه تنها به نوآوری منتهی نمی‌شود بلکه خود منشاء مشکلات جدیدی خواهد بود.

یکی از شیوه‌های التقاط، توسل به "ترجمه‌گرایی" است؛ به این معنا که ترجمه‌های ارایه شده از قواعد و قوانین حقوقی، عیناً و بدون متناسب سازی و بومی‌سازی در حقوق اسلامی اخذ و استفاده گردد. نهضت ترجمه هرچند دروازه‌های جدیدی را به دنیای اندیشه‌های اسلامی گشوده است، اما در عرصه تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی موجب رکود و وابستگی فکری و ظهور پدیده نوین استعمار فکری شده است (خاقانی اصفهانی و حاجی ده‌آبادی، 1392: 67). نوآوری در حقوق اسلامی می‌تواند از مزایای نهضت ترجمه به شرطی بهره‌مند گردد که به جای بهره‌گیری خام این اندیشه‌ها، از آن‌ها به عنوان خمیر مایه‌ای در جهت تولید اندیشه‌هایی جدید بهره بگیرد. در نتیجه نوآوری در حقوق به معنی ترجمه کتاب‌های فقهی و یا مواد قانونی فرانسوی و اسناد بین‌المللی در قالب و جام قانون نیست. وقتی به اقتضانات جامعه شناختی

مسایل حقوقی و تأملات جامعه‌شناسی حقوق توجیهی نشود، اصلاحات انجام یافته عقیم خواهد ماند. ترجمه‌گرایی و "تقلید از عین محتوای راهبردهای حقوق غربی را نمی‌توان به عنوان نوآوری، به نظام حقوقی و قضایی کشور تزریق نمود؛ چراکه کارکرد استوار و مستمر این راهبرد، می‌تواند مزایای شالوده اصلی نظام حقوقی را واژگون جلوه دهد و آن را دفع کند". (پورعزت، 1387: 93).

#### 4-6. منابع و راهنمای نوآوری

هر چند نظام‌های حقوقی از یکدیگر متمایزند و در جنبه‌های مختلف با هم تفاوت دارند، اما وجود تفاوت‌ها مانع تعامل، تأثیر و تأثر آن‌ها بر یکدیگر نیست و در عمل نظام‌های حقوقی با یکدیگر تعامل دارند. این مطلب در باره نظام حقوقی اسلام نیز صادق است (حکمت‌نیا، 1384: 62). گفتمان نوآوری حقوقی بر اتخاذ راهبردی سنجیده بر مبنای تعامل‌گرایی میان دانشی استوار است. معرفت‌های حاصل از نوآوری در حقوق اسلامی ناشی از مبادله میان دو جریان پیشینی (ذهنی) و پسینی (قضایای تجربی) است. نظام حقوقی ایران علاوه بر منابع شرعی و عرفی از منابع حقوق غربی نیز در جهت غنای خویش بهره می‌گیرد. حقوق غربی در بسیاری از حوزه‌ها و مسایل، اسنادی منتشر کرده است و یا برای عملیاتی شدن قوانین خود نهادهایی جدید تاسیس نموده است که می‌توان از آن‌ها برای تدوین حقوق اسلامی و تاسیس نهادهای حقوقی جدید ایده گرفت. اما اینکار بدون بومی‌سازی و توجه به منابع و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به تقلید صرف منجر شده و آثاری نامطلوب بر جای خواهد گذاشت.

#### 5-6. مقدمات تحقق نوآوری حقوقی

لازمه تحقق نوآوری حقوقی، فراهم شدن فضا و بستری مناسب است که در آن پژوهشگران و دلسوزان حقوق اسلامی با درک شرایط زمانی و مکانی، و در نظر گرفتن منابع و اقتصاد قدرت در ابعاد عاملیت و ساختار به نوسازی حقوق دست بزنند. اینکار می‌تواند در قالب موارد زیر محقق شود:

#### 1-5-6. تمهید فضای مناسب برای تضارب آرا

در نوآوری‌هایی که هدف اصلاح شرایط موجود و رفع نیازهای پیش روست، نظرات اندیشمندان و نخبگان در عرصه‌های گوناگون، سرمایه اصلی است. نظام حقوقی اسلامی نیز از این جهت غنی است. بر این اساس اگر فضای مناسب برای طرح و آراء و نظرات فراهم شود، از

این نقادی می‌تواند نظریه‌های جدیدی متولد شود. به عبارت دیگر آنچه رایزنی را منجر به تولد اندیشه‌ای پربارتر می‌کند، فعال‌سازی جریان تضارب آراء است؛ زیرا نظرسنجی از دیگران پیرامون موضوعات گوناگون، سبب می‌شود نظرات چه بسا متفاوت و حتی متناقض با نظریه شخصی مشورت‌کننده مطرح شود و سرانجام اقامه دلایل متقن از سوی هر یک از طرفین، نظریه صحیح‌تر را نمایان کند. ثمراتی که به موجب رایزنی در سطح جوامع متجلی می‌شود، به گونه‌ای است که موجب ظهور نوآوری و تداوم این جریان خواهد شد. تضارب آرا بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی استعدادهای لایق فراهم می‌کند و باعث تحرک و پویایی در کل جامعه می‌شود، خمودگی را از فکر و ذهن افراد می‌برد و در نهایت، موجب بروز و ظهور نوآوری در سطح جامعه می‌گردد (علایی رحمانی و محمص، 1389: 231).

مرور مقالات پژوهشی منتشر شده در حقوق اسلامی نشان دهنده ایجاد فضایی است که در آن نقد نظریه‌های حقوقی و نظام حقوق و قضایی کشور مورد نقادی قرار می‌گیرد. اما این فضا نیازمند باروری و گسترش بیشتر است. برای مثال یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، ایجاد نظام درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری است. برخی پژوهشگران ضمن اشاره به آثار مثبت این نوآوری‌ها مانند آسان‌تر شدن اعمال اصل تناسب میان جرایم و مجازات‌ها، هماهنگ سازی پاسخ‌های کیفری و تسهیل پیاده‌سازی سیاست فردی کردن مجازات‌ها در رفع ایرادهای آن در نقادهایی علمی- پژوهشی راهکارهایی پیشنهاد نموده‌اند. (بهرمند، 1396).

#### 6-5-2. ارزش‌گذاری بر مقوله نقد

میان مقوله نقد و نوآوری، پیوندی ناگسستنی وجود دارد، زیرا یک دیدگاه و یا یک عملکرد زمانی دوام می‌یابد که ناکارآمدی نظریات مشابه دیگر در جریان نقادی منصفانه و مشفقانه اثبات شود. تفکر انتقادی فعالیتی مولد، مثبت و منتهی به نوآوری و ابتکار است و صاحبان تفکر انتقادی می‌توانند تعصب را از منطق و حقایق را از عقاید تمییز دهند (شریعتمداری، 1382: 66). تفکر انتقادی در حوزه حقوقی و قضایی نیز بسیار ضرورت دارد؛ چراکه "اگر از حوزه‌های نظری بر قوانین و نظریه‌های موجود هیچ انتقادی نشود، بشریت در حوزه‌های علمی دچار رکود، خمود و درجاذگی می‌شود" (منصورنژاد، 1384: 97).

#### 6-5-3. اشاعه روحیه پرسشگری

پرسش گری همان بستر مناسبی است که فضای پویایی علمی و نیروی آفرینندگی انسان را بیدار می‌کند و منجر به توسعه عقلانیت می‌شود. سوال، دریچه علوم و وسیله انتقال دانش‌ها است و طرح سوالات در هر جامعه نشانه جنب و جوش افکار و بیداری اندیشه‌ها است (مکارم شیرازی، 1374: ج 2، 14). پرسشگری در حوزه مسایل حقوقی نیز می‌تواند سرچشمه ابتکارات و نوآوری‌های مختلف در عرصه‌های فکری و عملی آن شود. این سوالات و تردیدها، در تبارشناسی مسایل حقوقی می‌تواند در قالب فرضیاتی مطرح و در نهایت به نوآوری در آن منجر شود.

#### 6-5-4. رعایت قاعده نفی سبیل در نوآوری‌های حقوقی

یکی از مهم‌ترین اصول در تدوین نوآوری‌های حقوقی، قاعده نفی سبیل است. در تفسیر آیه 141 سوره نساء در تفسیر نمونه می‌خوانیم که این آیه شریفه، کافران را نه تنها از نظر استدلال و منطق، بلکه از نظر نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، بر اهل ایمان مستولی نمی‌داند (مکارم شیرازی 1374، ج 4، 176). اما معنای رعایت اصل نفی سبیل آن نیست که دروازه‌های نوآوری را بر اساس منابع و ابزارهای در دسترس و مورد تاکید حقوق اسلامی ببندیم و فضایی خلق کنیم که هراس از نوآوری بر حقوقدانان اسلامی سایه بیفکند و اجازه نقد کرسی‌های نظریه‌پردازی در این حوزه به اتهام بدعت و تکفیر بسته شود؛ چراکه در آن صورت حقوق اسلامی در کلیات محصور شده و از توسعه خویش باز خواهد ماند. نتیجه آنکه در دنیای امروزی که تنظیم روابط و تعاملات پیچیده بشری در ابعاد فردی، خانوادگی، گروهی، اجتماعی، ملی، بین‌المللی و... نیازمند تدوین حقوق در ابعاد و لایه‌های پیچیده آن است برای رفع نیازهای حقوقی به جای بها دادن به نوآوری مجبور خواهیم شد به ترجمه حقوق غربی و کاربست آن اکتفا کنیم.

#### 6-6. تلفیق منابع و تدوین حقوق کارآمد

منابع نوآوری حقوقی ایران را می‌توان به سه دسته غرب، شرع و عرف تقسیم‌بندی نمود. گفتمان نوآوری تلاش دارد تا این منابع سه گانه را به گونه‌ای به کار بگیرد که خروجی آن در ضمن آنکه ضدیتی با شالوده اصلی نظام حقوقی اسلامی نداشته باشند به ارتقای کارایی، سهولت و ساده‌سازی قوانین آن منتهی گردد. با اخذ تقلیدگرایانه حقوق مدرنیته در کنار حقوق اسلامی، نظام حقوقی ناهمگون پدیدار خواهد شد که در جهت عکس ارزش‌های اخلاقی همسو با عرف، مصائب زیادی را به جامعه تحمیل خواهد نمود. بر این اساس راهبردهای نوآوری حقوقی که بدون توجه به هم خوانی برنامه حقوق مدرنیته با حقوق اسلامی اقتباس و به کار

می‌گیرد نه تنها مشکلات حقوقی کشور را کم نخواهد کرد بلکه به تعمیق شکاف جامعه از نظام حقوقی رسمی کشور منجر خواهد شد. بر این اساس در بررسی نسبت حقوق مدرن با حقوق دینی لازم است از "غرب‌گرایی افراطی" و "شرع‌گرایی نسنجیده" بپرهیزیم. با توجه به تلفیق منابع سه گانه نوآوری حقوق (شرع، عرف و غرب) و شناخت محیط و در نظر گرفتن منابع و اقتصاد قدرت، راهبردهای نوآوری تدوین می‌شود. راهنمای تدوین این راهبردها کاربست "اصل بومی‌سازی نهاد حقوقی" به عنوان "جریان اخذ و تحلیل نهاد و درج آن در نظام حقوقی (حکمت‌نیا، 1384: 61)" با تقریب نیروهای سه گانه حقوق (غرب، شرع و عرف) یا همان حقوق غربی، اسلامی و ایرانی است.

تلفیق منابع حتی در حقوق دیگر کشورها نیز مد نظر قرار می‌گیرد. برای مثال پس از مطرح شدن ایده اصلاح حقوق تعهدات فرانسه از حدود سال 2000 میلادی دو طرح دو طرح مبتنی بر نظریه‌های حقوقی ارائه شد که یکی از این طرح‌ها تحت نظارت پروفیسور کاتالا<sup>1</sup> و طرح دیگر تحت نظارت پروفیسور تره<sup>2</sup> و با مشارکت آکادمی علوم اخلاقی و سیاسی فرانسه تدوین گردید. پیش نویس کاتالا بیشتر خود را ملزم به ترویج سنت حقوق قراردادهای فرانسه می‌دانست اما پیش نویس تره شدیداً تحت تأثیر حقوق اروپا، به ویژه اصول حقوق اروپایی بود که هر دو پیش نویس به عنوان مبنای پیش نویس منتشره از سوی وزیردادگستری درنوامبر 2013 به کار گرفته شدند (نوری یوشانلوئی و شاهین، 1397: 203).

## 6-7. اجرا، بازخورد نتایج و اصلاح راهبردها

طرح نوآورانه حقوقی لازم است پس از نقد، بررسی و سنتر طرح‌های مختلف در مرحله اجرا نیز تحت بررسی قرار گیرد. با رصد به موقع بازخورد نتایج اجرای این طرح‌ها لازم است طرح اصلاح و بازبینی شود. این رصد می‌تواند با همکاری موسسات پژوهشی حقوقی و قضایی دانشگاهی و نهادهای قضایی صورت گیرد. ارزیابی اثرات اجرای طرح‌های جدید حقوقی و قضایی نیازمند پژوهشی چند رشته‌ای (حقوقی، فقهی، جامعه شناسی، روان شناختی، تاریخی، اقتصادی، سیاسی و حتی پزشکی) و توجه به مسایل جدید و تغییر شرایط اجتماعی، ملی و بین‌المللی است. چنانچه این مهم محقق نشود با ایستایی حقوق، مدیریت مسایل حقوقی تضعیف و با ناهماهنگی میان نهادهای تقنینی و قضایی و اجرایی، شاخص‌های حقوقی تنزل

<sup>1</sup> Catala

<sup>2</sup> Terré

خواهد یافت. از طرف دیگر رصد بازخورد نتایج بر اساس ترکیب دانش حقوقدانان با تجربیات بر آمده از نیازهای روزمره افراد جامعه به ویژه مراجعان امور حقوقی صورت می‌گیرد.

## برآمد

آثار تغییرات اجتماعی گسترده در زندگی فردی و اجتماعی بشر، لزوم تناسب حقوق را با این تغییرات دو چندان کرده است. این تناسب سازی در قالب گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی مطرح می‌شود. گفتمان نوآوری در حقوق اسلامی با طرد برخی دال‌های دو گفتمان الهیاتی - فلسفی و گفتمان حقوق مدرنیته و با درهم شکستن ساختار گفتمانی آن‌ها، برخی دال‌های آن‌ها را در ساختاری نو به کار می‌گیرد. دال‌های گفتمان نوآوری حقوقی، تقویت جذابیت و کارایی حقوق، توجه به مقتضیات جامعه ملی و بین‌المللی، تقدم موضوع شناسی بر حکم شناسی حقوقی، نوآوری با حفظ شالوده الهیاتی و فلسفی، توجه به منابع عقلی، اجماعی و عرفی در کنار متن محوری هستند.

مطالعه تبارشناسی علوم اسلامی نشان دهنده غنای آن‌ها در فراهم شدن زمینه برای نوآوری‌های حقوقی است. در محدوده علم کلام، توجه به جایگاه و نقش عقل در تفکر دینی؛ تفسیر معرفت شناسانه از معرفت‌های حقوقی (نظریه علامه طباطبایی) و تفکیک علوم اعتباری از علوم حقیقی؛ در محدوده علم اصول توجه به ابعاد مفعول دلیل عقلی، دلیل عقلایی (سیره عقلا/ بنای خردمندان) و عرف به عنوان مبانی غیر متنی اجتهاد، در محدوده فقه توجه به بعد جمعی و اجتماعی احکام، تلازم موضوع، نظریه مقتضیات زمان و مکان، نظریه فقه مقاصدی و قاعده "ضرورت حفظ نظام اجتماعی" و در محدوده علم اخلاق نظریه ثبات اصول اخلاقی و دگرگونی مصادیق آن از جمله ایده‌ها، نظریه‌ها و مفاهیمی هستند که از آن‌ها در جهت ضرورت توجه به شرایط زمانی و مکانی و ضرورت تناسب نوآوری‌های حقوقی می‌توان استنباط نمود.

در طراحی الگوی راهبردی نوآوری در حقوق اسلامی با بهره‌گیری از رویکرد گفتمانی بر مراحل مقدماتی شامل تبارشناسی معرفت و حقوق اسلامی و شناخت محیط (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) با توجه به منابع و اقتصاد قدرت تاکید می‌شود. در گام بعدی لازم است با عبور از موانع و چالش‌ها شامل جمود فکری، غلبه متن محوری و هراس از اتکا به منابع غیر متنی حقوق، بدعت‌گذاری، گذشته‌گرایی حقوقی، شخصیت‌گرایی؛ التقاط و ترجمه‌گرایی از منابع سه گانه نوآوری در حقوق اسلامی شامل حقوق غربی، حقوق شرعی و حقوق عرفی بهره گرفته شود. در این میان لازم است با تمهید فضای مناسب برای تضارب آراء، ارزش‌گذاری بر مقوله نقد، اشاعه روحیه پرسش‌گری و رعایت قاعده نفی سبیل در نوآوری‌های حقوقی مقدمات تحقق نوآوری و باروری آن را فراهم نمود. پس از تدوین حقوق کارآمد و اجرای آن لازم است پس از



رصد نتایج اجرا، راهبردهای حقوقی دوباره اصلاح گردد. بر این اساس الگوی راهبردی ارایه شده خطی نیست و لازم است در چرخه مداوم همیشگی در آن بازبینی گردد.

جدول (3) مراحل الگوی راهبردی برای نوآوری در حقوق اسلامی و ابعاد آنها

ردیف	مراحل الگوی راهبردی برای نوآوری در حقوق اسلامی	ابعاد
1	تبارشناسی معرفت و حقوق اسلامی	
2	شناخت محیط	داخلی
		منطقه‌ای
		بین‌المللی
3	عبور از موانع و چالش‌ها	جمود فکری
		غلبه متن محوری و هراس از اتکا به منابع غیر متنی حقوق
		بدعت‌گذاری
		گذشته‌گرایی حقوقی
		شخصیت‌گرایی
4	منابع و راهنمای نوآوری	التقاط و ترجمه‌گرایی
		حقوق غربی
		حقوق شرعی
5	مقدمات تحقق نوآوری حقوقی	حقوق عرفی
		تمهید فضای مناسب برای تضارب آرا
		ارزش‌گذاری بر مقوله نقد
		اشاعه روحیه پرسشگری
6	تلفیق منابع و تدوین حقوق کارآمد	رعایت قاعده نفی سبیل در نوآوری‌های حقوقی
7	اجرا	
8	بازخورد نتایج و اصلاح راهبردها	

## منابع

- ابن فارس (1404)، معجم مقابیس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (1408)، لسان العرب، تعلیق علی شیری، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.

3. اسفندیاری، محمد (1376). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: چاپ سپهر.
4. امام خمینی (بی تا). صحیفه نور (مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی (س))، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
5. انصاری، شیخ مرتضی (1410). المکاسب، الجزء الاول، بیروت: موسسه النعمان.
6. انوری، حسن (1381). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: نشر سخن.
7. آذرنوش، آذرتاش (1381). فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشر نی.
8. بهره مند، حمید (1396). درجه بندی تعزیرات: از نوآوری تا بازاندیشی، مجلس و راهبرد، دوره 24، شماره 92، 111 - 135.
9. پورعزت، علی اصغر (1387). گذر از حصارهای شیشه‌ای معرفت‌شناسی با تاکید بر الزامات زبان شناختی علوم میان رشته ای، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علم انسانی، شماره 1، 91-109.
10. جان محمدی، فاطمه (1386). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
11. جوادی آملی (1372). تفسیری موضوعی قران کریم، سوره انبیاء، قم: مرکز نشر معارف.
12. حکمت نیا، محمود (1384). راهکارهایی به منظور بومی سازی نهادهای حقوقی با رویکرد اسلامی، فقه و حقوق، شماره 7، 61-77.
13. درویشی هویدا، یوسف (1381). زمان و مکان در فقه: تحولات قانونگذاری در حقوق زنان، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره 1، شماره 3، 67 - 86.
14. دلشاد تهرانی، مصطفی (1382). ره زنان دین، تهران: نشر دریا.
15. دهخدا، علی اکبر (1377). لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
16. دیلمی، احمد (1384). مرور زمان (بررسی فقهی - حقوقی)، قم: بوستان کتاب.
17. دیوید، فرد آر (1379). مدیریت راهبردی، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
18. ذوعلم، علی (1382). انقلاب اسلامی، تاجر و سنت، کتاب نقد 1382، شماره 26 و 27.
19. راسخ، محمد (1386). مدرنیته و حقوق دینی، نامه مفید شماره 64، 3-26.
20. سبحانی، جعفر (1380). وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، قم: موسسه تعلیماتی امام صادق (ع).
21. شاخت، یوزف (1388). دیباچه‌ای بر فقه اسلامی، ترجمه اسدالله نوری، نشر هومس، چاپ اول.
22. شاطبی، ابراهیم بن موسی (1416). الموافقات فی لاصول الشریعه، الجزء الثانی، بیروت: دارالمعرفه.
23. شریعتمداری، علی (1382). نقد و خلاقیت در تفکر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
24. شهبایی، مهدی (1388). از حقوق سنتی تا حقوق مدرن؛ تاملی در مبانی تحول نظام حقوقی، نامه مفید، شماره 76، 69-90.
25. شیخ صدوق، محمد بن علی حسین ابن بابویه القمی (1380). کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج 1؛ قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

26. شیخ طوسی، محمد حسن (1358). تمهید الاصول در علم کلام اسلامی، ترجمه عبدالحسین مشکوه الدینی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
27. صدر، سید محمد باقر (1359). همراه با تحول اجتهاد، ترجمه اکبر ثبوت، تهران: انتشارات روزبه.
28. صدر، سید محمدباقر (1991 م). اقتصادنا، بیروت: دارالمتعارف للمطبوعات.
29. طباطبایی، سید محمد حسین (1362). رسائل سبعة، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
30. طباطبایی، سیدمحمدحسین (1281-1360). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی.
31. عساریان نژاد، حسین (1389). الگوی راهبردی- فرهنگی انتظار برای دولت زمینه ساز، مجله راهبرد بومی، سال یازدهم، شماره 105.
32. علامه حلی، حسن بن یوسف (1368). باب حادی عشر، شرح فاضل مقداد، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: نشر نوید.
33. علایی رحمانی، فاطمه؛ محمص، مرضیه (1389). بررسی شاخصه‌های نوآوری از دیدگاه قرآن کریم، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، 223-241.
34. علیزاده، عبدالرضا (1384). زمینه‌های پذیرش رویکرد جامعه شناختی در حقوق اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 68، 115-156.
35. غزالی، ابوحامد محمد (بی تا). المستصفی من علم الاصول، الجزء الاول و الثانی، بیروت: دارالفکر الطباعه و النشر و التوزیع.
36. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله السیوری الحلی (1403). نضد القواعد الفقهیة، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.
37. فیض، علیرضا؛ حسینی سمنانی، بتول (1387). بررسی عوامل پویایی فقه، پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره اول، 97-133.
38. کراچکی، محمد بن علی (بی تا). کنزالفوائد، محقق عبدالله نعمه، قم: دارالذخایر.
39. مجلسی، محمد باقر (1403). بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
40. مصطفوی، حسن (1360). التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
41. مطهری، مرتضی (1381). ختم نبوت، تهران: نشر صدرا.
42. مطهری، مرتضی (1377). اسلام و مقتضیات زمان، جلد اول، قم: انتشارات صدرا.
43. مغنیه، محمد جواد (1404). فقه الامام الصادق، الجزء الاول الی الجزء السادس، بیروت: دارالجواد.
44. مکارم شیرازی، ناصر (1374). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
45. مکدرموت، مارتین (1372). اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
46. ملایی، رضا و سوزنجی، حسین (1398). چپستی اعتباریات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و لوازم روش شناختی آن در حوزه علوم اجتماعی، فصلنامه حکمت اسلامی، پیاپی 20، 101-115.

47. منصورنژاد، محمد (1384). درآمدی بر چیستی و چرایی نقد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره 24.
48. مهدی خاقانی اصفهانی محمدعلی حاجی ده آبادی (1392). بومی سازی سیاست جنایی با تأکید بر نقد اهم مدل‌های غربی و گفتمان‌های فقهی سیاست جنایی، حقوقی دادگستری، شماره 82، 65-90.
49. نقیبه، سیدابوالقاسم؛ جلیل زاده ماکویی، حسین (1391). تاثیر زمان و مکان در تطور آرا فقیهان، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، شماره 27، 165-194.
50. نوری یوشانلوئی، جعفر و شاهین، ابوالفضل (1397). نوآوری‌های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال 6، شماره 24، 201-232.

#### منابع انگلیسی

51. Jorgenson, M and Philips, L. (2002). Discourse analysis as theory and method. London: Sage Publications.
52. Laclau, E and Mouffe (1985). Hegemony and social strategy: toward a radical democratic. London: Verso
53. Sellers, M (2003). Republican Legal Theory, the History, Constitution and Purposes of Law in a Free State. New York; Palgrave Macmillan, 14-96.